یادداشت

بیم و امید در مجتمع نیشکر هفت‌تپه

مجتمع نیشکر هفت‌تپه در ۱۵ کیلومتری شهر شوش استان خوزستان قرار دارد. این کارخانه، قدیمی‌ترین کارخانه تولید شکر از نیشکر در ایران است که نیم قرن از تأسیس آن می‌گذرد. نیشکر هفت‌تپه در اسفند ۱۳۹۴ به بخش خصوصی واگذار شد و از آن زمان تاکنون با مشکلات اقتصادی مواجه شده و نمی‌تواند دستمزد کارکنان و کارگرانش را به‌موقع بپردازد.

ایلنا نوشته است که تأخیر در پرداخت معوقات مزدی کارگران و کارکنان بخش‌های مختلف موجب شده که از ابتدای سال جاری تاکنون در روند کار و تولید در این شرکت اختلال ایجاد شود.

کارگران و کارکنان نیشکر هفت‌تپه در سه سال گذشته بارها دست به اعتصاب زده و کارگران معترض نیز بازداشت شده‌اند. اعتصابات اخیر کارگران و کارکنان نیشکر هفت‌تپه از اواسط دیماه ۹۶ آغاز شد. آن‌ها هنوز دستمزد بهمن و اسفند و نیز عیدی و پاداش سال ۹۶ را دریافت نکرده‌اند.

افزون بر این واگذاری بخشی از اراضی شرکت به یکی از پیمانکاران و نیز انتشار این خبر که تمامی کارگران پیمانی و روزمزد کشاورزی تحت پوشش پیمانکار قبلی اردیبهشت سال جاری اخراج خواهند شد، اعتراض کارگران را برانگیخت.

کارگران نیشکر هفت‌تپه پس از نوروز ۱۳۹۷، در هفتم فروردین بار دیگر دست از کار کشیدند و با شعار «کارگر هفت‌تپه، گرسنه‌ایم، گرسنه» در بازار محوطه شرکت راهپیمایی کردند. در این روز برای چندمین بار در ماه‌های اخیر کوره بخار و آسیاب کارخانه از سوی کارگران خاموش و روند تولید متوقف شد. در بهمن ماه گذشته، ۳۴ تن از کارگران معترض بخش تولید کشاورزی نیشکر هفت‌تپه بازداشت شدند.

اسفند ۹۶ نیز به دنبال اعتراضات کارگری در شرکت تولید شکر هفت‌تپه استان خوزستان، فعالیت این شرکت متوقف شده بود. اما کارگران و کارفرما، پس از سه روز بر سر راه‌اندازی کارخانه به توافق رسیدند.



اردیبهشت ۹۷ نزدیک به ۴۰۰ کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه مقابل دفتر مدیریت این شرکت تجمع کردند و خواستار دریافت مطالبات سنواتی خود شدند. به گزارش ایلنا، این کارگران بازنشسته که تعدادشان بالغ بر ۳۷۰ نفر بود از آذر تا اسفند ماه سال ۹۶ به مرور بازنشسته شدند و بعد از گذشت حدود دو ماه و نیم هنوز نتوانستند مطالبات عقب افتاده خود را دریافت کنند.

در سال‌های اخیر کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه بارها در اعتراض به تعویق مطالبات خود دست به تجمع و اعتصاب زده‌اند. شرکت نیشکر هفت تپه بعد از خصوصیسازی در سال ۹۴ با مشکلاتی روبرو شده و عمدتاً حقوق کارگران خود را با تاخیر پرداخت کرده است. این شرکت بزرگ، حدود چهار هزار کارگر رسمی، پیمانی و قراردادی دارد.

اخیراً جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه در تماس با خبرنگار ایلنا، از امیدواری برای بهبود اوضاع خبر دادند.

به گفته آنها قائم مقام جدید شرکت از توانمندی و آگاهی مدیریتی بالایی برخوردار است و می‌تواند با درایت، مشکلات شرکت را تا حدودی حل کند، اما پیش‌شرط‌هایی هم نیاز است.

آنها می‌گویند: «به مدیریت کشاورزی ایشان اعتماد داریم ولی با توجه به اوضاع اسفبار مزارع نیشکر به دلیل کمبود شدید آب، کود، سم و ...، رفع مشکلات به همین سادگی‌ها نیست و همه مسئولان باید کمک و مساعدت کنند تا نیشکر هفت‌تپه به روزهای اوج خود بازگردد، معوقات کارگران پرداخت شود و تولید با همه توان ادامه پیدا کند». این کارگران ادامه دادند: «سهامداران نیز باید همت کنند تا مایحتاج اولیه و ماشین‌آلات برای کارخانه فراهم شود و گره مشکلات باز شود».

حدود نیمی از صنایع کشور غیرفعال است

غفلت از شهرک‌های صنعتی و تداوم رکود

PDF Compressor Free Version



عباس دهقانی

براساس گزارش مرکز آمار ایران با محوریت نتایج طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۶ بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر حاکی از این است که ۱۱,۹ درصد از جمعیت فعال ایران بیکار هستند. این میزان نسبت به تابستان گذشته ۰,۲ درصد افزایش داشته است. آمار فوق در کنار اظهارات اخیر معاون وزیر صنعت که گفته بود حدود نیمی از صنایع کوچک و متوسط غیرفعال هستند بیانگر شرایط بسیار ناگوار بخش تولید و رکود اقتصادی در کشور است.

دولت در زمان آغاز فعالیت خود با مشکلات گسترده‌ای نظیر تورم رکودی، مشکلات ساختاری و تحریم‌های بین‌المللی روبرو بود و از ابتدا جهت ایجاد ثبات اقتصادی و بازگشت آرامش به بازارها، سیاست هدفگذاری تورم را در اولویت برنامه‌های اقتصادی خود قرار داد. در سیاست هدفگذاری تورم، دولت مجبور به کنترل نقدینگی و انضباط مالی و پولی است تا بتواند با کنترل حجم پول، تورم را مهار نماید. تورمی که ریشه در سیاست‌های انبساطی پولی و مالی دولت قبل داشت که با تحریم‌های بین‌المللی به رقم ۴۰ درصد رسیده بود. در طی این مدت دولت توانست تورم را به حدود ۱۰ درصد کاهش دهد اما نتیجه این سیاست، تثبیت رکود اقتصادی و تعطیلی بنگاه‌های کوچک و متوسط بود که عمده‌ترین مشکل آنها کمبود سرمایه در گردش و نقدینگی است.

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهایی که معمولا در تعریف صنایع کوچک و متوسط به کار می‌رود عبارتند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی و حجم فروش و ظرفیت تولید. اما رایجترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط تعداد کارکنان شاغل در آن می‌باشد؛ به گونه‌ای که معمولا صنایعی با تعداد ۱۰۰ نفر پرسنل را صنایع کوچک و متوسط و بالاتر از آن را صنایع بزرگ می‌نامند. در حال حاضر ۹۴۸ شهرک و ناحیه صنعتی در کشور وجود دارد که از این تعداد ۵۶۱ شهرک صنعتی و ۳۸۷ ناحیه صنعتی می‌باشد. علاوه بر آن ۷۷۸ شهرک و ناحیه صنعتی دیگر نیز در سطح کشور در دست احداث است. از مجموع واحدهای صنعتی در کشور، ۳۴ هزار و ۵۵۷ مورد صنایع کوچک، یک هزار و ۷۲۳ واحد متوسط و ۸۶۸ مورد جزو صنایع بزرگ می‌باشند.

در اکثر کشورهای صنعتی و پیشرفته، سهم صنایع کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی بسیار بالا بوده به طوری که بالاترین میزان اشتغال در این کشورها مربوط به این شرکتها است. به طور مثال در حوزه اقتصادی اروپا و سوئیس بیش از ۱۶ میلیون شرکت وجود دارد که کمتر از ۱ درصد آنها را شرکتهای بزرگ تشکیل می‌دهد و بقیه بنگاههای کوچک و متوسط می‌باشد، همچنین دو سوم کلیه مشاغل در این منطقه به بنگاههای کوچک و متوسط اختصاص دارد. بنگاههای کوچک و متوسط اساس و ستون فقرات اقتصاد منطقه آسیا-اقیانوسیه بوده و ۹۰ درصد شرکتها، بین ۳۲ تا ۴۸ درصد اشتغال و بین ۶۰ تا ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای این منطقه را به خود اختصاص داده‌اند.

بنابه گفته معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت از مجموع ۳۷ هزار و ۱۴۸ واحد صنعتی، ۱۴ هزار و ۱۵۶ واحد در کشور غیرفعال است که علت اصلی توقف فعالیت این واحدها کمبود سرمایه در گردش است. با وجود رشد اقتصادی ۳ درصدی کشور در سال گذشته و افزایش نرخ بیکاری در این مدت می‌توان چنین استنباط نمود که این رشد اشتغالزا نبوده است. گرچه دولت، هدف نرخ بیکاری تک رقمی را تا پایان برنامه ششم توسعه مشخص کرده است اما آمارها همسویی اقدامات و سیاستگذاریهای دولت را با این هدفگذاری تأیید نمی‌کند. با این حال تاکنون بخش عمده اعتبارات توسط صنایع کلانی همچون پتروشیمی، فولاد، مس، خودرو و ... بلعیده شده و بی توجهی به بنگاههای کوچک و متوسط اشتغال موجود آنها را نیز در معرض تهدید قرار داده است. اکثر صنایع بزرگ و سنگین تحت نظر مدیران دولتی اداره می‌شود که از لابی قدرتمندی در بدنه دولت برخوردارند. در این شرایط شاید دولت باید ابزارهای جدیدتری برای ایجاد اشتغال تعریف کند و نقاط تمرکز خود را برای اشتغالزایی تغییر دهد، همچنان که برخی مسئولان مانند معاون توسعه و کارآفرینی وزارت کار از چرخش استراتژیها و سنتها در این حوزه صحبت می‌کنند. وی به تازگی گفته است: «دولت باید به جای ایجاد اشتغال به‌واسطه رشد اقتصادی به دنبال اشتغال بیشتر برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر باشد».

رایجترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط تعداد کارکنان شاغل در آنهاست؛ به گونه‌ای که معمولا صنایعی با ۱۰۰ پرسنل را صنایع کوچک و متوسط و بالاتر از آن را صنایع بزرگ می‌نامند. در اکثر کشورهای صنعتی و پیشرفته تا ۸۰ درصد میزان اشتغال مربوط به صنایع کوچک و متوسط است

به عنوان نمونه در شهرکهای صنعتی استان تهران حدود ۴۰ هزار صنف در قالب ۱۸ هزار واحد تولیدی و صنعتی فعالیت می‌کنند که مجموعاً ۱۷ شهرک صنعتی و نیمه صنعتی را شامل می‌شود. حدود ۸۰۰ هزار نفر در رشته‌های مختلف تولیدی، صنعتی و صنوف در شهرکهای صنعتی و مجموعه استان تهران مشغول فعالیت هستند که با ساماندهی آنها به شهرکهای صنعتی، تعداد شاغلان به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر افزایش می‌یابد. اما در حال حاضر بیش از نیمی از واحدهای موجود در این شهرکها تعطیل یا نیمه فعال است. شهرک صنعتی اشتهارد، شهرکی در ۱۲۰ کیلومتری تهران نیز از دیگر شهرکهای صنعتی حومه پایتخت است که ۲۱۰۰ واحد صنعتی را شامل می‌شود. از این تعداد، فقط ۸۰۰ واحد آن فعال است که البته با ۳۰ درصد ظرفیت به کار ادامه می‌دهند. بررسی وضعیت واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در شهرکهای صنعتی استان البرز نیز نشان می‌دهد که اکثر این واحدها با مشکل کمبود سرمایه در گردش مواجه هستند. بعد از نقدینگی، بازاریابی نامناسب و مشکلات مربوط به قاچاق کالا و واردات بی رویه، نرخ بالای مالیات بر ارزش افزوده و حق بیمه عمده‌ترین موانع فعالیت این شرکتها محسوب می‌شوند.

دولت با ارائه لایحه رفع موانع تولید و بهبود مستمر فضای کسب و کار قصد دارد تا از طریق بهبود فضای کسب و کار، بستر مناسب برای رشد و توسعه این واحدها فراهم سازد. همچنین دولت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، ۱۶ هزار میلیارد تومان برای حفظ اشتغال در بنگاهها و صنایع کوچک و متوسط اختصاص داده است. سال گذشته از مجموع ۱۲ هزار واحد تولیدی که برای دریافت تسهیلات دولتی ارزان قیمت ثبت نام کردند، ۱۰۰۰ واحد به بانکها معرفی شدند و پیشبینی می‌شد تا پایان سال، ۷۵۰۰ واحد به چرخه فعالیت بازگردند. رئیس کل بانک مرکزی نیز به تازگی در نامه‌ای خطاب به مدیران عامل بانکها و مؤسسات اعتباری، اعطای حداقل ۱۰ درصد تسهیلات بانکی به بنگاههای کوچک و متوسط برای ایجاد اشتغال، افزایش تولید و رونق اقتصادی را خواستار شده است.

سرمایه‌گذاری خارجی و اتصال بنگاههای کوچک و متوسط در طول زنجیره ارزش به برندهای جهانی موجب انتقال فناوری و نوآوری خواهد شد و قدرت رقابت‌پذیری این شرکتها را افزایش میدهد؛ چیزی که حیات صنایع کوچک و متوسط به آن وابسته است

تغییر سریع و گسترده فناوری تولید در دهه‌های اخیر و فاصله گرفتن از تولید انبوه در صنایع بزرگ و گرایش به سمت تولید انعطاف‌پذیر در صنایع کوچک و متوسط هرچند توانایی رقابت فعالیتهای صنعتی کوچک را افزایش داده و منجر به انتقال فعالیتهای اقتصادی از صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک شده است اما این موضوع به معنای حذف صنایع بزرگ و جایگزینی آن با صنایع کوچک نبوده؛ بلکه روند حرکت به سوی تعامل هرچه بیشتر این دو با یکدیگر و در قالب یک زنجیره تولید بوده است. به گونه‌ای که تقسیم کار میان صنایع کوچک و بزرگ به شکلی صورت پذیرفته که آنها به جای رقابت با هم، یکدیگر را کامل می‌کنند. پیوند صنایع کوچک و متوسط با صنایع سنگین و بزرگ در طول یک زنجیره ارزش، اکنون در دنیا مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال کارخانههای تولید کننده قطعات خودرو به کارخانههای بزرگ خودروسازی متصل هستند. اتصال صنایع کوچک و متوسط به شبکه صنعتی و تولیدی بزرگتر بایستی با ایجاد فضا و بستر مناسب صورت گیرد. سرمایهگذاری خارجی و اتصال بنگاههای کوچک و متوسط در طول زنجیره ارزش به برندهای جهانی موجب انتقال فناوری و نوآوری خواهد شد و قدرت رقابتپذیری این شرکتها را افزایش می‌دهد؛ چیزی که حیات صنایع کوچک و متوسط به آن وابسته است. رقابتپذیری با کالاهای وارداتی به لحاظ قیمت تمام شده تولید همواره به عنوان پاشنه آشیل تولید داخلی مطرح بوده است. در چند سال اخیر هدفمندی یارانهها و افزایش نرخ ارز باعث رشد هزینههای تولید و کاهش رقابتپذیری صنایع کوچک و متوسط شده است. دولت باید در مرحله دوم اجرای قانون هدفمندی یارانها سهم تولید (۳۰ درصد) را به صنایع تولیدی پرداخت کند، امری که در مرحله اول محقق نشد و تنها هزینههای تولید را برای آنها افزایش داد و از طرف دیگر برای کاهش تبعات تثبیت نرخ ارز و افزایش احتمالی هزینههای تولیدی، توجه خاصی به مشکلات خرید ماشین آلات و مواد اولیه وارداتی توسط صنایع کوچک و متوسط داشته باشد. با توجه به انعطافپذیری و قدرت تطبیق صنایع کوچک و متوسط با شرایط مختلف و همچنین توان اشتغالزایی بالای این گونه واحدها ضروری است که تمام تلاش دولت معطوف به رونق این گونه کسب و کارها باشد.

گفت و گو

ناصر آقاجری در گفت‌وگو با ایلنا:

کارخانه‌ها را به دستِ «نااهلان» سپرده‌اند

یک فعال کارگری معتقد است: استمرار سیاست‌های تعدیلی و عدم حمایت از تولید وطنی، آب به آسیاب دشمن ریختن است.

ناصر آقاجری (فعال کارگری) در گفتگو با خبرنگار ایلنا در ارتباط با شرایط فعلی اقتصاد ایران و دشواری‌های زندگی کارگران گفت: سیاست‌های ضدکارگری و ضدمردمی خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری، نزدیک به سه دهه است که علیرغم اعتراضات گسترده کارگران ادامه پیدا کرده‌است؛ به نظر می‌رسد مسئولان بالادستی به هیچ وجه و در هیچ شرایطی حاضر نیستند از خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری دست بردارند.

وی ادامه داد: در این میان نمی‌توان منکر این واقعیت شد که امتیاز بزرگ این مناسبات، تامین منافع صنایع تولید انبوه کشورهای بزرگ سرمایه‌داری جهان و چین است. فروش تولیدات بدون کیفیت صنایع این کشورها به ایران علاوه بر نابودی صنایع ملی، باعث تولید کار و اشتغال در آن کشورها شده است؛ در عوض بیکاری میلیونی را در ایران ایجاد کرده است. شاید خیلی از تصمیم گیران کلان اقتصادی تصور می‌کنند ما که نفت داریم؛ پول نفت را می‌دهیم و «کالا» وارد می‌کنیم و به این ترتیب، امورات‌مان می‌گذرد اما از آسیب‌های اساسی این دست مناسبات غافل مانده‌اند و نمی‌دانند که وقتی صنایع داخلی بخوابد، جامعه به سمت انحراف و مرگ سوق داده می‌شود.

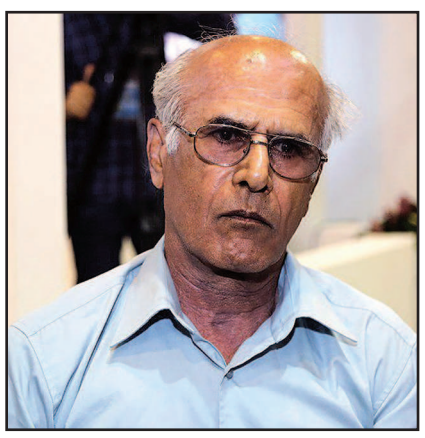
آقاجری معتقد است خصوصی‌سازیِ سریالی کارخانه‌ها و سپردن آن به «نااهلان» یا به عبارت دقیق‌تر، عدم حمایت از تولید وطنی، آب به آسیاب دشمن ریختن است و مصرف کننده داخلی را به پیاده نظام صنایع انبوه «دیگران» تبدیل می‌کند.

او اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی یا به عبارتی سوءبرداشت از این اصل قانونی را اینگونه توصیف می‌کند: به نام عدم کارآمدی دولت، مشتی انگل اجتماعی را بر سر نوشت اقتصادی ملت حاکم کردند تا بدین گونه چوب حراج به منابع و صنایع ملی بزنند و در نتیجه، یک بیکاری بزرگ ایجاد کرده‌اند که در طول تاریخ صنعتی کشور کم نظیر است و دو نسل جوان کشور را به نیستی کشیده‌اند.

بیشترین آسیب را از سیاست‌های تعدیلی، کارگران پروژه‌ای یا همان قرارداد موقتی‌ها متحمل می‌شوند؛ آقاجری در ارتباط با این گروه از کارگران که بیش از ۹۰ درصد بازار نیروی کار را تشکیل می‌دهند، می‌گوید: کارگران پروژه‌ای که سازندگان واقعی اقتصاد و صنعت هستند، در باتلاق فقر، بی‌حقوقی و بیکاری دست و پا می‌زنند و به نظر می‌رسد راه خروجی ندارند؛ تنها راه کار خروج از این بحران این است که تولید و صنعت برای سیاست گذاران و آنهایی که تصمیم گیرنده‌اند، ارزشمند شود و به صورت عملی و عینی از تولید ملی حمایت کنند.

راه حل بازگشت به قانون اساسی است

وی در ادامه بحث به یک نمونه کوچک از واردات بی رویه و بی توجهی به نیروی کار داخلی اشاره می‌کند: در حالی که در فروشگاه‌های بزرگی که زیر نظر شهرداری تهران کار می‌کنند تکه‌های کوچک گوشت ماهیِ وارداتی از ژاپن و نروژ و غیره را با نرخ نجومی می‌فروشند، مدیران دولتی، های و هوی مبارزه با واردات غیرضروری را سر می‌دهند. این جماعت به جای ایجاد ناوگان بزرگ صید، ماهی از ژاپن و نروژ وارد می‌کنند تا ماهی‌های خلیج فارس و دریای عمان به وسیله ناوگان ماهیگیری چینی صید شود. آقاجری ادامه می‌دهد: سوال اینجاست که چرا در چین دولت بدون خصوصی‌سازی با کارآمدی توانست به دومین اقتصاد جهان در همین دنیای نولیبرالی تبدیل شود؛ در حالی که به جز ذغال سنگ، منابع قابل توجه دیگری ندارد، ولی دولت‌های پس از جنگ ایران، منابع را به صورت خام و نیمه خام چوب حراج



می‌زنند تا فقط امورات روزمره را بگذرانند؛ تا ایران به جای توسعه صنعتی، به بازار بزرگ مصرفِ تولیدات جهان سرمایه‌داری و چین تبدیل شود. این فعال کارگری در پایان تاکید می‌کند: این راهی که می‌روند، به ترکستان است! برای اصلاح امور، مناسبات نولیبرالی آن هم نسخه ایرانی آن که ملغمه‌ای از سودجویی، استثمار و بی توجهی به حقوق انسان است، بایستی از ساختار اقتصادی دور ریخته شود و اصل ۴۴ و ۴۵ روزهای اول انقلاب، هرچه سریعتر در ایران کاربردی شود.